

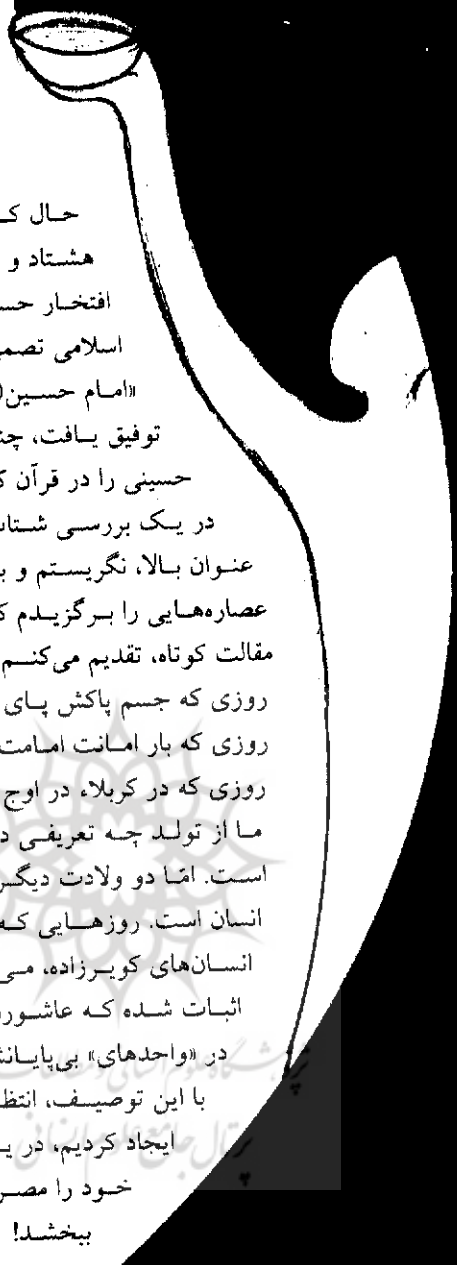
# پشت‌صحنه سایه پور عاشورا

حجت‌الاسلام علی رهبر



سکه خلافت انسانی دو چهره عزت و افتخار دارد که بر دو روی آن، نام «حسین» و «عاشورا» از دیرباز آغاز خلقت، حک شده است. گواه بر این ادعا قرآن و سنت و عترت و وجدان آگاهان در طول تاریخ بعد از این حادثه (عاشورا) بوده است.

احساس‌های عارفانه نسبت به این دو نام زیبا، انسان پیش‌دستی می‌کنند که بیگانگان گمان می‌برند، در جوانب اثبات آسمانی بودن این حادثه بزرگ به رهبری سفیر خدا در زمین، استدلالی وجود ندارد. روانتر بگویم: عشق و عقل با همه ابزارها و ادراک‌های خود، نام حسین و عاشورا را احاطه کرده‌اند و یکی از رازهای جاودانگی این دو نام دل‌انگیز، همین است.



حال که فصلنامه قرآنی کوثر، در بهار سال هشتاد و یک، به دنبال اعلام سال «عزت و افتخار حسینی» از سوی رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی تصمیم دارد این شماره را با نیم‌نگاهی به «امام حسین (ع) و عاشورا» انتشار دهد. نگارنده توفیق یافت، چند سطری از پشت صحنه‌های نهضت حسینی را در قرآن کریم، بررسی نماید.

در یک بررسی شتاب‌آلود، نیمی از قرآن را با عنایت به عنوان بالا، نگرستم و با توجه به بضاعت انسداد خویش، عصاره‌هایی را برگزیدم که بخشی از آن انتخاب‌ها را، در این مقاله کوتاه، تقدیم می‌کنم. امام حسین (ع) سه میلاد دارد: روزی که جسم پاکش پای به خاک نهاد. روزی که بار امانت امامت بر دوش کشید.

روزی که در کربلا، در اوج عزت و افتخار به شهادت رسید. ما از تولد چه تعریفی داریم؟ تولد اول برای همه انسان‌ها است. اما دو ولادت دیگر در حیطه انتخاب و اختیار نیکوی انسان است. روزهایی که چشمه‌های حیات معنوی را بر روی انسان‌های کویرزاده، می‌گشاید و به راستی در مجال خود اثبات شده که عاشورای حسینی همه حرف‌های گفتنی را در «واحد‌های» بی‌پایانش، ارائه کرده است.

با این توصیف، انتظار نداشته باشید که آنچه توقعش را ایجاد کردیم، در یک نوشتار بیمار، بگنجد؛ ولی سعی خود را مصرف می‌کنیم، تا خدای چقدر توفیق ببخشد!

و الله ولی التوفیق

مطالب اصلی خود را به صورت شماره‌گذاری شده تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنم:

## ۱) نمازگزاران از خدا چه می خواهند؟

- ... صراط الذین انعمت علیهم... (۱)

«... و ما را به صراط و راه مستقیم کسانی هدایت نما که مشمول انعامشان کردی

...»

«انعام شدگان»، چه کسانی هستند؟

- و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً. (۲)

«آنان که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در جمله کسانی درمی آیند که خداوند آنان را مشمول انعام (و اکرام) خود کرده است. (=) با پیامبران و راستان و شهیدان و صالحان (قرآر می دهد) اینان همراهان و رفیقان خوبی هستند!»

پس، انعام شدگان اصلی، چهار گروه انبیاء، صدیقین، شهیدان و صالحانند. و مطیعان راستین خدا و رسول، با آن چهار گروه خواهند بود. و ما در نمازهای خود - که نماز بی سوره حمد، نماز نیست و در هر حمد، «صراط الذین» ذکر شده - از خداوند می طلبیم که ما را به راه انبیاء، صدیقان، شهیدان و صالحان و مطیعان از خدا و رسول، هدایت کند.

بر اساس نصوص وافر، حسین بن علی (ع) امام است و صدیق و صالح و شهید (بلکه سید شهیدان عالم). همراهان آن راد شهید تاریخ نیز، جایگاه بسیار ممتازی دارند و مصداق برخی از عنوان های چهارگانه (شهید، صالح و صدیق بعد از امام معصوم).

پس هر نمازگزاری - شیعه یا سنی - در صورت عنایت به این ارتباط و پیوندی که در آیات، مشاهده نمودید، طالب هدایت بسان هدایتی است که خدا به انبیاء، صالحان و شهیدان عنایت نموده است.

حال، سؤال من این است که آیا نحوه درخواست ما، تقاضای دمیدن روح سلحشوری حسینی و زندگی بسان عزت و افتخار حسینی نیست؟

## ۲) ... نه به راه غضبزدگان ...!

«... غیر المغضوب علیهم...»

در بند یک، آنچه خواندید، وضعیت «نوریان» بود و اینک از خدا می خواهیم که ما را از سلک «ناریان» دور بدارد: غضبزدگان و گمراهان. کربلا دو نمایشگاه است: حماسه خلیفه خدا و جنایت انسان فروافتاده.

در سخنان عاشورایی حسین بن علی (ع)  
و کلمات عتاب‌آلود زینب (س)، اوج غضب  
خداوند نسبت به ناکشان و ناکسان کوفی و مدعیان تشیع،  
جلوه‌گر است.

بر این بنا، ما به عنوان عبرت‌آموزی از تاریخ، از خدا می‌خواهیم که  
مانند طیف غضب‌زدگان جنایت‌پیشه سپاه یزید باشیم؛ گر چه «المفضوب  
علیهم» منحصر به این گروه ناری، نیست.

### ۳) چرا مفسد و سفاک می‌آفرینی؟

«اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء؟...» (۳)

«... آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد می‌کند و خون‌ها را می‌ریزد  
؟...»

### ۴) این سوی را نگاه کنید.

«و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائكة...» (۴)

«و خداوند، همه اسماء را به آدم آموخت، آنگاه آنها را بر فرشتگان عرضه کرد...»  
در شعری در سال ۶۰، چنین سرودم:

یک طرف دشتی سراسر پُر ز دد در سر آنان هوس بی مرز و حد  
گو سپاه ترجمان سفاک دم می‌رسدشان وحی شیطان دم‌به‌دم  
سوی دیگر علم الاسماء ببین خوشه‌ها از خرمن حکمت بچین  
آن حقایق والا را که خدا به آدم آموخت، بالاتر از آنها نزد  
حسین است و این حقیقت از لابلاهی همه متون متقن شیعه،  
بیرون می‌آید.

اظهر از خورشید است که سپاه یزید، مصداق‌های  
خون‌ریزترین و پیمان‌شکن‌ترین مدعیان ایمانند.

فرشتگان با طرح «اتجعل فیها...» عنایت به آن سپاه  
داشتند (مصداق روشن) و خدای حکیم عنایت به  
حسین (ع) و حواریون بی‌نظیر آن حضرت داشت  
(عالی‌ترین مصداق).

تفصیل این دو بند (۳ و ۴) مجال جامع می‌خواهد.

### ۵) تسلیم شوی با تو کاری ندارند.

«ولن ترضی عنک اليهود ولا النصارى حتی تبیع  
ملتهم...» (۵)

«یهود و ترسایان، هرگز از تو خوشنود نخواهند شد تا  
زمانی که از آیین آنان تبعیت کنی...»

سَطْر سَطْر قِيَامِ اِمَامِ (ع) نَشَانِگَر

عزت‌مداری و پایداری بر صراط و تسلیم  
خواست‌های دشمن نشدن است. چه خطای بزرگی است  
که کربلاء را بنیست تلقی کنیم و رهبر بزرگ این قیام خدایی  
را، مردی در بنیست یک گزینه. درمانده! هیهات! که حسین. آوازه  
بلندش، رهین همین انتخاب درست او است.

در غربت آن روز حادثه (عاشورا) فریاد می‌زد:

«آن ناپاک پسر ناپاک مرا میان دو کار مخیر کرد که یا جنگ و یا ننگ (تسلیم) و  
هیهات و چه دور است که ذلت بپذیرم که خدا و رسول و همراهانم و صلب‌ها و  
رحم‌های پاک، این اجازت را به من نمی‌دهند.» (۶)

در مدینه ماندن امام و سکوت و فریاد نزدن، ضامن سلامت ظاهری امام و  
همراهان آن حضرت بود ولی سلامت غیرت دینی و از همه مهمتر اصل آیین از میان  
می‌رفت. زیرا یک آیین آسمانی را یا باید ذات مقدس خداوند - بدون هیچ سنت  
دیگری که مردم حضور فعال برای حفاظت داشته باشند - حفاظت کند و یا حاکمان  
عدل و یا مردم مسلمان غیرت‌پیشه. در باب دخالت خداوند باید بگویم: سنت  
این نیست که حتی بدون حضور مردم و احساس تکلیف، این مهم سامان  
یابد و الا حضرت ابا عبد الله (ع) نمی‌فرمود که: «و علی الاسلام السّلام  
اذ قد بليت الامة براع مثل یزید» چون امت اسلامی به بلای یزید  
مبتلا شده است، باید فاتحه اسلام را خواند. در عصر ۶۱  
حاکمان در اندیشه براندازی اسلام بودند که در اشعار معروف  
یزید در مجلس دمشق آشکار شد و مردم نیز آنسان  
بی تفاوت شده بودند که تاریخ هیچ فریادی را علیه یزید -  
بخاطر شراب‌نوشی آشکار و انواع حرمت‌شکنی آگاهانه و  
... - به ثبت نرسانده است.

آیه کریمه می‌گوید: ای محمد! تا دست از آیین پاک  
خود برنداری و تابع کیش یهود و نصاری نشوی، آنها از  
تو راضی نخواهند شد (ترجمه آزاد آیه). پایداری امام و  
عاشورا بیان همراه او، بر همین غیرت ماندگاری بر  
حقایق مسلم اسلام بود که حادثه عاشورا رخ داد.

کشیدن خط برائت ابراهیمی در زاویه زاویه کلمات  
حضرت و برخورد های امام و همراهان، مشهود و  
مشهور است.



## آزمون‌های بالاتر از آزمون ابراهیم :

«و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمهّن. قال انّی جاعلک للنّاس اماماً...» (۷)  
«و (یاد آر) هنگامی که ابراهیم را خداوندش، با کلماتی بی‌اساس و او (ابراهیم) در همه آنها موفق شد (به اتمام رساند). خداوند گفت: تو را امام مردم قرار می‌دهم...»  
کدامین آزمون‌ها؟

امتحان ذبح اسماعیل، ساکن کردن هاجر و اسماعیل طفل در جوار کعبه در منطقه‌ای بی‌زرع و بی‌آبادانی و نیز اعتماد بالا و والای او به خداوند در لحظه‌های افتادن در آتش نمرودیان و ...

معدل ابراهیم چند است؟

نمره‌های آزمونش، بیست است و قاعدتاً معدل هم بیست.

کسی که به کانال حماسه‌های عاشورا، چشم بیندازد، دشوارتر بودن آزمون‌های حضرت حسین بن علی (ع) را لمس می‌کند.

- به قربانگاه بردن جوان و نورس و شیرنوش خردسال

نیست اندر بزم آن والا نگار از تو بهتر گوهری بهر نثار

- اسکان زنان و کودکان در قلب سی هزار جراده عاشق زندگی زوال‌پذیر، آنهم، تشنه و داغدار و در بند اسارت.

- اتکاء و اتکال به خداوند حتی در قتلگاه در قالب نیایش عاشقانه و رضایتمندانه

و ...

و دهها آزمون دشوار دیگر که در واژه واژه‌های ایسن تاریخ درخشان، برجسته است.


بخشی از اسرار توجه دادن مردمان به این روز و این حادثه، همین پایداری بر پاکی و بروز غیرت و هویت انسانی و اسلامی است و الهام‌های بیشماری که در جای خود بس روشن است و شفاف؛ از میان همه آنها، روح ایثار و خداباوری و غیرتمندی و مقدم داشتن دیگران بر خویشتن و ... بیشتر از همه الهام‌بخش است.

## بیشتازی و پیش‌دستی :

«... فاستبقوا الخیرات...» (۸) «در خوبی‌ها بر یکدیگر پیشی بگیرید...»

در روایت معروفی آمده است: «بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری هست، تا آنجا که انسانی در راه خدا به شهادت برسد که بالاتر از آن چیز دیگری نیست.»

این خیر بزرگ شهادت، چسان جلوه‌گر می‌کرد و چگونه مشتاقان را به سبقت از یکدیگر در آن عرصه آسمانی نینوا، می‌کشاند که تا یاران حسین (ع) زنده بودند، اجازه نمی‌دادند که یک نفر از خاندان بنی‌هاشم، پای به میان بگذارد و فرزند برومند حسین، علی اکبر، در میان بنی‌هاشمی‌ها، سبقت می‌گرفت و هر کدام بر دیگری.



در شب عاشورا، زمانی که بزرگ پاسدار کربلاء، زینب(س) از امام می‌پرسد که آیا یاران همراه را آزموده‌ای یا خیر؛ در جواب می‌فرمایند: «به خدا قسم که آنها را آزموده‌ام! آنها را جز «اشبوس» و «اقعس» نیافتیم». در برابر مرگ با لبخند و بی‌اعتنایی و قیافه دلیرانه و با صلابت برخورد می‌کنند. آنان که در بیان امام، چنین روحیه‌ای دارند، چرا سبقت به خیر بزرگ شهادت نگیرند؟ اگر یک‌هزارم این روحیه به مسلمانان امروز، انتقال یابد، جنایتکار صهیونیست، آنهمه فجایع حان خراش را در فلسطین، نمی‌آفریدند و «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

### منابع :

- ۱- سوره حمد
- ۲- سوره نساء، آیه ۶۹
- ۳- بقره، آیه ۳۰
- ۴- بقره، آیه ۳۱
- ۵- سوره بقره، آیه ۱۲۰
- ۶- بخشی از خطبه معروف حضرت در عصر عاشورای ۶۱ هجرت
- ۷- بقره، آیه ۱۲۴
- ۸- بقره، آیه ۱۴۸